روزنه

رئیس دفتر مقام معظم رهبری:

بلندشدن هر ندای اختلافی کار دشمن است

● رئیس دفتر مقام معظم رهبری با اشاره به سفر اخیرش به مناطق سیل‌زده در استان خوزستان، گفت: «هر حلقومی که ندای اختلاف از آن بلند می‌شود، کار شیطان و دشمن است. اتحاد نقش بزرگی در حل مسائل کشور دارد. در مناطق سیل‌زده آنچه دیده‌ام همین بود». به گزارش «ایسنا»، حجت‌الاسلام محمد محمدی‌گلپایگانی که در مراسم تکریم و معارفه نمایندگان قدیم و جدید ولی‌فقیه در امور حج و زیارت سخن می‌گفت، به مشاهداتش از سفری که به مناطق سیل‌زده در استان خوزستان داشت، اشاره و اتحاد مردم در این مناطق را اعجاب‌انگیز وصف کرد و افزود: دیروز از این سفر بازگشتم. آنجا آثار اتحاد و برابری مردم را در حادثه عظیم سیل شاهد بودم. واقعا عجیب بود. این از برکات سیلی است که خرابی‌های فراوانی داشته است. تعداد زیادی از مردم کاشانه، مزارع و تمام هستی‌شان را از دست داده‌اند، اما دستاورد این حادثه مهم طبیعی آن هم در کشوری که جزء ۱۰ کشور حادثه‌خیز جهان است، ایجاد روح اتحاد بوده است».او ادامه داد: «در چند ساعتی که آنجا حضور داشتم، به شخصی برخوردم که مسئولیتی هم داشت. درباره‌اش می‌گفتند این آقا تمام سه ماه را روزه گرفته است. واقعا احساس حقارت کردم. از هیچ پولی برخوردار نیست و از بیت‌المال حقوقی نمی‌گیرد. می‌گفتند ۳۴ شب است که به خانه نرفته است؛ با اینکه خانه‌اش نزدیک محل حادثه بود. اتحاد و برابری خیلی علنی و روشن دیده می‌شد. این آثار و برکات سیل است. همان چیزی که مورد هجمه دشمن واقع شده است».رئیس دفتر مقام معظم رهبری گفت: «دشمن با تمام وجود سعی می‌کند با نقشه‌های شیطانی این اتحاد را از بین ببرد. ما روحانیون که تریبون و فرصت داریم رسالت‌مان این است که اهمیت این اتحاد را یادآور شویم. هر حلقومی که ندای اختلاف از آن بلند می‌شود، کار شیطان و دشمن است. اتحاد نقش بزرگی در حل مسائل کشور دارد. در مناطق سیل‌زده آنچه دیده‌ام، همین بود. مردم یکپارچه و متحد پشت سر مقام معظم رهبری ایستاده بودند. وجود شریفشان مورداحترام است با آنکه ناراضی بودند و هستند اما در موضوع رهبری همه نظرشان یکی بود».

جلایی‌پور، خانیکی، مجاهدی و امیدی در نشست دانشگاه تهران مطرح کردند

بحران انسدادباوری در اصولگرایان و اصلاح‌طلبان

عکس: ساره دخت ایرانی، ایرنا

عصر دیروز نشست تخصصی «امید و همبستگی اجتماعی» در تالار دکتر شریعتی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران با سخنرانی حمیدرضا جلایی‌پور، محمدمهدی مجاهدی و رضا امیدی برگزار شد. به گزارش «جماران» هادی خانیکی در این نشست با بیان اینکه نسبتی میان فروبستگی و ناامیدی و از آن طرف گشودگی و امید وجود دارد، گفت: «به میزانی که امید وجود دارد، تلاش در جهت گشودگی صورت می‌گیرد یا تا زمانی که گشودگی وجود دارد امید نیز هست. وقتی می‌گوییم امید هست به‌معنای آن نیست که تمام مسائل حل می‌شود، بلکه به معنای آن است که در میان پارادوکس‌هایی که وجود دارد، امکان انتخابی می‌تواند باشد و طبیعتا در میان عالم اندیشه و روشنفکری، همیشه امید و ناامیدی راویانی داشته و هیچ‌وقت هم نمی‌توان گفت تنها روایت امید یا روایت ناامیدی، روایت‌هایی هستند که به واقعیت نزدیک‌تر است بلکه این دو تنها می‌توانند افق‌هایی را بسازند و من فکر می‌کنم برای امروز ایران، روایت امید بهتر از ناامیدی می‌تواند افق بسازد. زیرا وقتی جامعه‌ای برای خود یا دیگران قصه ناامیدی را بسراید، ابتدا دچار فروپاشی ذهنی و بعد فروپاشی عینی می‌شود و این نابودی عاملی برای زوال اجتماعی خواهد شد». خانیکی در ادامه اظهار کرد: «فرد یا جامعه‌ای که دچار ناامیدی می‌شود، قادر نخواهد بود دوباره روی پای خود بایستد. طبیعتا وقتی از امید صحبت می‌کنیم، نه خوش‌خیال هستیم و نه اینکه خود را به غفلت می‌زنیم بلکه دنبال ظرفیت و محرکه‌ای می‌گردیم تا بتوانیم روی پای خود بایستیم؛ بنابراین مسئله امید، مسئله دیروز، امروز و فردای جامعه ماست و با امید می‌توان بسیاری کارهای جدی کرد».

ضرورت تقویت امید

حمیدرضا جلایی‌پور نیز در این نشست گفت: «توسعه کشور عنصر مهمی است که با آن می‌توان بسیاری از نابسامانی‌های کشور را مهار کنیم، هرچند امکان ریشه‌کنی آن وجود ندارد. بر اساس پیمایش‌هایی که در چندسال اخیر در دسترس ماست، امید مردم به نهادهای عمومی کاهش پیدا کرده و از این نظر یک ناامیدی در جامعه ما پدیدار شده است». او گفت: «در کنار بحث پیمایش‌های اجتماعی درباره ناامیدی نسبت به نهادهای عمومی، به نظر می‌رسد که پویش‌ها و حرکت‌های جمعی که در جامعه وجود دارد نیز چندان امیدوارکننده نیست. یعنی انواع این حرکت‌ها، از اصلاح‌جویانه تا تحول‌طلبانه یا سرنگون‌طلبانه چندان امیدوارکننده نیستند. در نظرسنجی‌ها نیز ریزش پایگاه وجود دارد. بنابراین بحث امید اجتماعی و رفع ناامیدی اجتماعی مسئله‌ای جدی است که باید به آن توجه کرد». این جامعه‌شناس افزود: «نکته‌ای که قابل‌رؤیت بوده مربوط به فضای آنلاین است. متأسفانه در فضای آنلاین، پست‌های ناامیدکننده مشتری و مخاطبان زیادی دارد و انگار پست‌های امیدوارکننده، مشتریان کمتری دارد. گویی این انتظار وجود دارد که در فضای آنلاین فقط پست‌های ناامیدکننده منتشر شود. می‌خواهم به پنج فضای عمومی اشاره کنم که بستری فراهم می‌کند تا شاهد ناامیدی باشیم. اما قبل از آن دو توضیح ارائه می‌دهم. از آنجا که امید اجتماعی موضوعی جمعی است، بسیار زمان‌مند و مکان‌مند بوده و موضوعی اجتماعی است. باوجوداینکه شواهد و قرائن نشان می‌دهند که شرایط ناامیدکننده است ولی رخدادهایی در جامعه رخ می‌دهند که می‌توانند امیدواری را تقویت کنند».جلایی‌پور افزود: «یکی از دلایل دیگر ناامیدی جاافتادن نظریه ناامیدی به‌عنوان امید است. طرفداران این نظریه می‌گویند حالا که ما در بن‌بست اصلاحات هستیم، سخن از امید اجتماعی، حرف بی‌ربطی است و این را سرنگونی‌طلبان نمی‌گویند بلکه صداوسیمای جمهوری اسلامی فیلم درست می‌کند و در آن می‌گوید ما را خفه کردید از بس حرف از امید می‌زنید. آنها تبلیغ می‌کنند برای اینکه شما امیدوار نباشید؛ بنابراین کسانی که این‌گونه رفتار می‌کنند زمینه ناامیدی را ایجاد می‌کنند».

امید علیه امید

در ادامه این نشست محمدمهدی مجاهدی نیز اظهار کرد: «امید را دست‌کم می‌توان به دو معنا استفاده کرد. چنان که نه‌تنها بر ناامیدی عمیق ما دلالت می‌کنند، بلکه ریشه‌های امید را هم می‌سوزانند. یک دسته از استفاده‌های امید علیه امید، زمانی است که ما امید را به معنای آرزوداشتن در تحولی برخلاف همه قرائن و محاسبات تعبیر می‌کنیم؛ برای مثال وقتی با بیماری بدحال سروکار داریم که همه شواهد نشان می‌دهند درمانی برای احوال در نظام پزشکی او وجود ندارد، ممکن است از در القا و تلقین امیدواری به اطرافیان بیمار وارد شویم و امیدی واهی برای آنها به وجود آوریم. امیدی که به‌هیچ‌وجه کمکی به بهبود حال آن بیمار نخواهد کرد و کمکی هم به احوال روان‌شناختی بازماندگان او پس از اینکه بیمار را از دست بدهند، نمی‌کند و چه‌بسا بار مصیبت را برای بازماندگان به‌مراتب سنگین‌تر کند». وی ادامه داد: «امید در چنین وضعیتی در واقع علیه امید کار می‌کند. این امید در واقع محال و برنامدنی است، اما گونه دیگری از امید و القای آن وجود دارد که پیچیده‌تر عمل می‌کند. امید بی‌محل، لایه‌های پیچیده‌تری دارد و تازه وقتی که امید محال، بی‌فایده‌بودنش آشکار می‌شود، امیدهای بی‌محل از راه می‌رسند. این امیدهای بی‌محل، امیدهایی هستند که ریشه در پاره‌ای رویکردهای پیشینی مقدم بر تجربه و اسطوره‌باورانه دارد. یکی از زمینه‌های امید بی‌محل در حوزه سیاست، امید به مقبولیت داشتن به‌جای امید به کارآمدی است». مجاهدی افزود: «این مغالطه فوق‌العاده وحشتناکی که از مقطعی در فرهنگ سیاسی ما رواج پیدا کرد که گرفتاری‌های حوزه کارآمدی را به درخشش‌های نظری و مفهومی در حوزه توجیه‌های مقبولیت تراشانه حواله می‌دهیم و گمان می‌کنیم اگر یک وضع یا وضعیت نظام سیاسی واجد مقبولیت درخشانی است در عرصه مفهومی، این درخشش‌ها می‌تواند عذرخواه تیرگی‌های کارآمدی یا ناکارآمدی باشد».

انسدادباوری در جریان‌های سیاسی

او بیان کرد: «یکی دیگر از زمینه‌های این امید بی‌محل، نوعی انسدادباوری است که این انسدادباوری چه در میان اصلاح‌طلبان و چه اصولگرایان رواج دارد. نمی‌خواهم بگویم که همه را در برمی‌گیرد اما اصلاح‌طلب و اصولگرا نمی‌شناسد. یعنی بسیاری از اصلاح‌طلبان و اصولگرایان به این معتقد هستند که ظرفیت‌های حل مسئله‌ای پایان یافته و اصلاح‌طلبان انسدادباور راه‌حل‌های متفاوتی از اصولگرایان انسدادباور دارند؛ بدین معنا که اصولگرایان انسدادباور ممکن است به دامن نظامی‌گری بیفتند و اصلاح‌طلبان انسدادباور نیز ممکن است به تحریم مکانیسم‌های دموکراتیک انتخاباتی یا به دامان خیابان بدون سنجش امکانات مشارکت مردمی و شرایط آن روی بیاورند». این استاد دانشگاه اظهار کرد: «خویشتن‌قربانی‌پنداری و توطئه‌اندیشی نیز یکی دیگر از زمینه‌های فکری و فرهنگی است که می‌تواند امیدهای بی‌محل فراوانی را که در جامعه ما به‌صورت القا و تلقین گسترده می‌شود، توضیح دهد».

۲ عنصر بنیادین همبستگی اجتماعی

رضا امیدی نیز در پایان این نشست گفت: «در جریان انقلاب فرانسه، وقتی جمهوری شکل گرفت، در واقع آن پاسخی به وضع موجود نبود، بلکه به‌مثابه یک مسئله ظاهر شد، چراکه خود جمهوری بلافاصله پس از آغازش با انواعی از عارضه‌های اجتماعی درگیر بود که از دل این امر اجتماعی استخراج شد. مهم‌ترین هدف سیاست‌گذاری اجتماعی‌ای که از دل این پدیده تاریخی بیرون آمد، تقویت همبستگی اجتماعی بود. اما در ساحت سیاست‌گذاری، همبستگی اجتماعی منوط به مسئله انسجام اجتماعی نیست، بلکه دو عنصر بنیادین دارد. نخست تقویت حداکثری انواع پیوندهای اجتماعی و دوم کاهش حداکثری انواع نابرابری‌های اجتماعی است».وی افزود: «گفته می‌شود همبستگی اجتماعی سطوحی دارد که یک سطح آن، همبستگی‌های افقی هستند که معرفش در حوزه‌های رفاه و سیاست‌گذاری اجتماعی، همین نظام‌ها و صندوق‌های بازنشستگی هستند. اساسا نظام تأمین اجتماعی و نظام بیمه اجتماعی بنا دارد که سطحی از همبستگی اجتماعی را از طریق پوشش‌دادن ریسک‌های اجتماعی و شغلی به‌همراه داشته باشد و سطح دیگری که سطحی عالی‌تر از همبستگی اجتماعی است، همبستگی‌های عمومی هستند که مهم‌ترین معرفش نظام‌های مالیاتی هستند».

الو شرق ۸۸۶۴۰۲۶۰

sharghline@sharghdaily.ir
پیامک: ۳۰۰۰۴۶۹۹

● متأسفانه جاده قم به کاشان فاقد روشنایی است. وقتی در این جاده، ما حدود دوهزارو ۵۰۰ تومان عوارض پرداخت می‌کنیم، حداقل باید از کمترین امکانات جاده که روشنایی است هم بتوانیم استفاده کنیم. همیشه در این جاده شاهد تصادفات جانی و مالی زیادی هستیم که جا دارد مسئولان کمی بیشتر به فکر باشند

یک مخاطب

● گرانی بنزین عامل اساسی گرانی تقریبا همه کالاهاست که قطعا هیچ‌کس راضی به آن نیست. دیگر اینکه در صورتی که این تحول عملی شود، آیا جوانب آن سنجیده شده است؟ و آیا با میزان تورم و دستمزدها برابری می‌کند؟

یک مخاطب

● طبقه متوسط ضعیف را در نظر بگیرید که اکثر کارمندان و صنوف جزء را دربر می‌گیرد. اگر قرار است سهمیه‌بندی شود، لطفا منطقی حساب کنید. یک ماشین فقط برای سر کار رفتن باید پنج کیلومتر راه برود که با احتساب ترافیک می‌شود روزی ۱۰ لیتر که اگر در روزهای کاری ضرب کنید می‌شود ۲۴۰ لیتر. تازه یک مسافرت درمانی را هم در طول سال باید در نظر گرفت.

یک مخاطب

● در روزنامه‌ها خواندم که فیلمی را یک ماه در سینماهای کشور نشان داده‌اند. حالا می‌گویند که این فیلم پر از موارد نامناسب و غیراخلاقی بوده و در نهایت بدون ممیزی هم اکران شده است. مگر سینماها بدون مجوز اجازه نشان‌دادن هر فیلمی را دارند؟ آیا مسئولی درباره این موضوع مجازات خواهد شد؟ در زمینه سیل چطور؟ آیا کسی مسئول لایروبی نکردن رودخانه‌ها هست؟ گرانی چطور؟ چه کسی مسئول گرانی است؟

یک مخاطب

● جدول میزان افزایش حقوق کارمندان در سال ۹۸ را نگاه کنید. بعد هم یک نگاهی به جدول افزایش حقوق بازنشستگان تأمین اجتماعی بیندازید. هردو آنها از عدالت به دور است و با واقعیت‌های موجود هم‌خوانی ندارد. با کمی دقت متوجه می‌شوید به دهک‌های پایین در تأمین اجتماعی حدود صدهزار تومان کمتر از کارمندان اضافه می‌شود. این یک‌بام و دوهوا یا یک شهر و دو نرخ برای چیست؟ آیا واقعا هزینه‌های زندگی برای این دو گروه متفاوت است!؟ اما به‌هرحال تبعیض آشکار است! مربوط به امسال هم نیست.

یک مخاطب